

حاشیه نشینی چالشی فرا روی توسعه پایدار شهری (با تاکید بر کلان شهر اهواز)

دکتر آزاده امیری*

دکتر علیرضا استعلاجی**

دکتر قدرت اله رستمی پایدار***

چکیده

جهان به سرعت در حال گسترش زندگی شهری است. سرعت رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه یافته است. در ایران نیز شهرنشینی با روندی سریع و شتابان همراه بوده و این رشد شتابان، مسائل و معضلات بسیاری برای شهرهای ایران به دنبال داشته است. در این میان، حاشیه نشینی به عنوان آیین تمام نمای مسائل شهری، جایگاه و اهمیت خاصی در تحقیقات اجتماعی دارد. این مقاله، به بررسی حاشیه نشینی به عنوان چالشی فرا روی توسعه پایدار شهری پرداخته و در این ارتباط، علل، مکانیسم و پیامدهای حاشیه نشینی در شهر اهواز با استفاده از رویکردهای کمی و کیفی مورد کندوکاو و بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق با استفاده از تکنیکهای مصاحبه و مشاهده و پرسشنامه در مناطق حاشیه شهر اهواز داده های مورد نیاز جمع آوری شد و بر اساس یافته های این مطالعه بخش عمده اسکان غیر رسمی شهر اهواز ناشی از مهاجرت های روستا - شهری است. حاشیه نشینان از شهر و محله زندگی خود رضایت بالایی ندارند و از احساس تعلق شهروندی پایینی برخوردار هستند.

کلید واژه ها: توسعه پایدار، حاشیه نشینی، شهرنشینی، مسائل اجتماعی، مهاجرت

* عضو هیات علمی گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

** دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری

*** عضو هیات علمی گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

۱- مقدمه

امروزه در جهان، توسعه خواهی تبدیل به جنبشی فراگیر و جهانی شده است، اغلب دولتها و همه ملتها، خواهان توسعه هستند، اما مراد از توسعه در این میان بسیار متفاوت است. از گذران امور روزمره گرفته تا فراغت، از فقر مطلق تا بهبود دسترسی به خدمات اساسی اقتصادی و اجتماعی و نیز بهبود مستمر و ارتقای مداوم کیفیت زندگی در این مقوله می‌گنجد. در یک تعریف کلی و ناظر به توسعه برنامه ریزی شده، تمام تلاشهای صورت گرفته برای ((حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب))، مصداق توسعه است.

ادبیات نوسازی چند دهه در برنامه های توسعه ملل مختلف سلطه بلامنازع پیدا کرد. در این مدت صاحب نظران توسعه به هنگام مشاهده نتایج حاصل از اجرای این پروژه به این نتیجه رسیدند که توصیه های توسعه ای منجر به عوارض و پیامدهایی از قبیل عدم کاهش پذیری فقر، عدم برابری در فرصتهای آموزشی؛ ماندگاری بحران گرسنگی و فقدان امنیت غذایی گرسنگان؛ تخریب وحشتناک منابع طبیعی؛ عدم برقراری دموکراسی در بسیاری از ممالک؛ افزایش تنشهای اجتماعی و سیاسی و

خلاصه آنکه اهداف توسعه در کشورهای از این دست نه تنها محقق نشد بلکه در حوزه های زیست محیطی منجر به تخریب جنگلها و مراتع، و به آلودگی شهرها منجر شد و شمار زیادی از مردمان جهان دچار سوء تغذیه و بیماریهای واگیر و ... شدند و هر روز بر تعداد افراد ساکن در نقاط حاشیه و زاغه افزوده شد.

تحقیق انجام شده در شهر اهواز مرکز استان خوزستان در جنوب غربی کشور ایران انجام شده است. جمعیت شهر اهواز در سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۱۳۳۸۱۲۶ نفر بوده که از لحاظ تعداد جمعیت در رتبه هفتم و پس از شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز و کرج قرار دارد.

در شهر اهواز مسالهی حاشین نشینی تابعی از روند حاشیه نشینی کل کشور می باشد. طبق مطالعات انجام گرفته در دهه ی ۱۳۴۰ و متعاقب اصلاحات ارضی و سیر مهاجرین روستایی بی زمین و کم زمین، حاشیه نشینی رشد شتابان به خود گرفت .

وقوع جنگ هشت ساله ی ایران و عراق (۶۷-۱۳۵۹) و تخریب شهرهای خرمشهر و آبادان و انهدام صنایعی چون پالایشگاه نفت و تأسیسات مشابه و از کار افتادن صنایع و مراکز بزرگ اشتغال و تأسیسات بندری خرمشهر نیز باعث شد تا جمعیت این مناطق به شهر اهواز و سایر مناطق کشور مهاجرت اجباری نمایند. در این دوره، روستاهای حومه ای و نزدیک به شهر اهواز مانند عین دو، ام تمیر، شلنگ آباد، ملاشیه، کوت عبدا... و کوت سید صالح نیز در جذب مهاجرین تاثیر بسزایی داشتند.

۲- حاشیه نشینی به عنوان چالشی فراروی توسعه پایدار شهری

امروزه پدیده شهری کره زمین را تسخیر کرده است (فالیکوف، ۱۳۸۳: ۱۳) توسعه فیزیکی شتابان و نامتعادل شهرها، پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و کالبدی داشته است. یکی از آثار و پیامدهای توسعه فیزیکی ناموزون و نامتعادل شهری، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی است.

((حاشیه نشینی، دو وجه بیرونی و درونی دارد. معمولاً "وجه بیرونی و ظاهر آن مورد توجه عموم مردم و مبنای قضاوت درباره این پدیده است. افراد در این وضعیت در مناطقی اقامت می‌کنند که با جامعه میزبان ارتباط کمی دارند و بین محل سکونت آنها و منطقه اصلی شهر نوعی جدایی وجود دارد. این امر ممکن است به دلیل وضعیت نامطلوب اقتصادی و عدم توانایی مالی خانواده‌ها باشد که به علت هزینه‌های بالای زندگی قادر به زندگی در مناطق اصلی شهر نیستند. علت دیگر آن وجود موانع جذب در جامعه میزبان است. از آنجا که بسیاری از مناطق سنتی به آسانی نمی‌توانند وجود این مهاجرین را بپذیرند، لذا آنان به مناطقی روی می‌آورند که امکان کنترل‌های اجتماعی و هنجاری کمتر در آنجا وجود دارد. این مناطق بیشتر در حاشیه شهرهای بزرگ قرار دارند.

اما وجه درونی حاشیه نشینی با نظام فرهنگی اجتماعی و نیز موقعیت روانی افراد مرتبط است بر این اساس وضعیت حاشیه نشینی آن گونه که رابرت پارک (۱۹۸۱) بیان می‌دارد، شرایط یا عالمی است برزخ گونه که فرد را از نظر اجتماعی و فرهنگی به حالت تعلیق در می‌آورد. فرد خود را در شرایطی می‌یابد که در آن، روابط اجتماعی و ارزشهای فرهنگی و ملی تا حدودی دستخوش تزلزل شده، ولی روابط و ارزشهای دیگری هنوز به طور کامل جایگزین آنها نشده است. به اعتقاد وی تجربه چنین شرایط بحرانی موجب شخصیت متمایزی برای فرد می‌شود. در اغلب موارد چنین فردی در برابر برخورد فرهنگها، حالت کناره گیری از خود نشان می‌دهد و نمی‌تواند در متن جامعه با عقیده راسخ به فعالیت خویش ادامه دهد. به عبارت دیگر، به علت ناباوری نسبت به ارزشها، بیگانگی با موقعیت جدید، فرد از جامعه کناره می‌گیرد و در حالتی معلق در حاشیه اجتماع می‌نشیند)) (جمشیدیها و عنبری، ۱۳۸۳: ۵۵-۵۴).

حاشیه نشینی یکی از پاشنه آشیل‌های توسعه پایدار شهری تلقی می‌شود، بر اساس مصوبات برنامه توسعه هزاره سازمان ملل بایستی تا سال ۲۰۱۵ میلادی، دست کم ۱۰۰

میلیون زاغه‌نشین از امکانات بهداشتی، مسکن و فرصت‌های نوین آموزش برخوردار شوند.

در ایران میزان شهرنشینی از حدود یک پنجم کل جمعیت کشور در هشتاد سال پیش، اکنون به پیش از دو سوم و رقم مطلق جمعیت شهرنشین با بیش از ششصد درصد رشد نسبت به سال پایه ۱۳۳۵ شمسی از حدود ۵/۹ میلیون نفر به بیش از ۳۶ میلیون نفر رسیده است. بدون شک شهرنشینی تمام شئون زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است. بشر علاقه عجیبی به تمرکز و استقرار در واحدهای سکونت‌ی بزرگ دارد. به گونه‌ای که پیش‌بینی شده است، تعداد زیادی از شهرنشینان در آینده ساکن شهرهای با بیش از هشت میلیون نفر جمعیت یا ((ابر شهرها)) خواهند بود. تعداد سکنه نقاط شهری در آغاز قرن بیستم چیزی کمتر از بیست درصد جمعیت دنیا را شامل می‌شد که اکنون به حدود نیمی از ساکنان جهان بالغ شده است (نقذی، ۱۳۸۲: ۲).

از عوامل عمده ایجاد ناپایداری در مناسبات شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه، گونه‌ای شهرنشینی با مشکلات حاد موسوم به اسکان غیر رسمی است که بنا به مشاهدات جهانی در حال گسترش فزاینده است. این گونه سکونتگاه‌ها هر چند جلوه‌ای از فقر را نمایان می‌سازد، بازتاب کاستیها و نارساییهای سیاستهای دولت و بازار رسمی نیز محسوب میشود.

اسکان غیر رسمی به سبب ایجاد فقر و گسترش آن و نیز به مخاطره انداختن محیط زیست و تحمیل هزینه‌های سنگین برای حل مشکلات، تهدیدی جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری تلقی شده به گونه‌ای که نیاز جدی به اتخاذ تدابیر ویژه‌ای برای ساماندهی وضعیت کنونی و جلوگیری از گسترش آن در آینده بایستی در دستور کار مدیران و دولتمردان قرار بگیرد.

کیفیت زندگی در مناطق شهری در مقایسه با سطح زندگی روستاییان بهتر و دسترسی به انواع خدمات اجتماعی و اقتصادی اساسی بیشتر است. همین امر یکی از دلایل گرایش تاریخی روستاییان به سکونت در شهر می‌باشد، زیرا هجوم روستاییان به

شهر - به ویژه کلان شهرها - برای دستیابی به همین امکانات رخ می‌دهد و تا زمانی که این فاصله وجود داشته باشد باید منتظر موجهای مهاجرت از روستاها به نقاط شهری بود. جاذبه های شهری در مقابل دافعه های روستایی، موجب تشدید روند مهاجرت روستا - شهری در ایران و در نتیجه شکل گیری مناطق حاشیه و اسکان غیررسمی شده است.

بنابراین شهر و شهرنشینی در ایران با بروز و ظهور مشکلاتی چون بی مسکنی و بد مسکنی؛ معضل حاشیه نشینی و رشد زاغه‌ها و سکونتگاههای غیر رسمی؛ چالشهای زیست محیطی؛ عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بهداشتی؛ معضل دفع زباله و عدم بازیافت آن، مشکلات ترافیکی؛ گسترش آسیبها و انحرافات اجتماعی؛ گسترش آسیبهای روانی و شخصیتی؛ مشکل توزیع عادلانه تر امکانات و خدمات شهری مورد نیاز شهروندان؛ مسله تامین کار و درآمد برای همه آحاد شهروندان؛ انواع نارضایتیهای جمعی و ظهور پدیده وندالیسم و احساس عدم تعلق و بیگانگی با شهر همراه بوده است (نقدی، ۱۳۸۲: ۲) اکثر حاشیه نشینان، مهاجران روستایی هستند که با کوله باری از فقر و محنت و به قصد دستیابی به زندگی بهتر، جذب زندگی شهری شده‌اند و تخصص آنها که بیشتر در زمینه کشاورزی سنتی بوده، اینک در مشاغل سیاه و کاذب و فعالیتهای ساختمانی، رفتگری، کارگری ساده و به عبارتی در بخشهای غیر مولد به کار افتاده است.

عدم مشارکت، احساس تبعیض، نداشتن روحیه تعلق شهروندی، کامروایی معوق و از ویژگیهای عمده شخصیتی حاشیه نشینان است. حاشیه نشینان این احساس را دارد که شهر خانه او نیست، اگر چه خانه او در شهر است و لذا پیوسته در تضاد میان عینیت و ذهنیت به سر می‌برد.

۳- حاشیه نشینی، چالشها و مسائل آن در شهر اهواز

شهر اهواز نیز به نحو گسترده ای با معضل حاشیه نشینی مواجه است، مناطق

حاشیه ای به صورت کمربندی از شمال غربی تا جنوب شرقی شهر را در بر گرفته و رشد قارچ گونه این مناطق همچنان ادامه یافته، به نحوی که جغرافیای فیزیکی شهر را دستخوش ناهمگونی و ناهنجاریهای شدید کرده است.

زندگی حاشیه ای شهر اهواز از یک سو می تواند تهدیدهایی برای نظام شهری به شمار رود و از سوی دیگر به حاشیه راندگی، مسائل و مشکلات زیادی نیز برای ساکنان این مناطق به همراه دارد. با توجه به اهمیت موضوع، در اینجا به بررسی ابعاد مسئله آفرین آن در شهر اهواز پرداخته می شود.

۱-۳ بافت چند قومیتی

مناطق حاشیه نشین اهواز دارای بافت و ترکیب چند قومیتی می باشد و همین وضع موجب تنشها و تعارضها و حتی نزاعهای پراکنده قومی در این مناطق شده است.

براساس نتایج بررسی، ۱۵/۴

درصد پاسخگویان فارس زبان، ۵۶/۷ درصد عرب زبان، ۲۳/۱ درصد لر زبان، ۳/۸ درصد کرد زبان و ۱/۱ درصد ترک زبان بوده اند.

۲-۳ مسائل جمعیتی

جمعیت شهری اهواز در کل جمعیت شهری استان در فاصله سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ حدود ۱۶/۵ درصد بوده است که براساس رابطه رشد نمایی بطور متوسط هر سال حدود ۱/۵ درصد رشد را نشان می دهد. در حالیکه در همین فاصله زمانی رشد جمعیت شهری اهواز حدود ۷۳٪ بوده است که با توجه به رابطه رشد نمایی بطور متوسط در هر سال حدود ۵/۷ درصد را نشان می دهد. ۵/۷ درصد رشد سالانه جمعیت شهری شهرستان اهواز در مقایسه با ۱/۵ درصد رشد سالانه استان حاکی از جابجایی وسیع و شدید جمعیت شهری از دیگر مناطق استان به شهر اهواز است. با توجه به حوادث مهم ملی که در این فاصله زمانی اتفاق افتاده است یعنی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و جنگ تحمیلی ۱۳۵۹ این جابجایی جمعیتی تا حدودی توجیه پذیر است.

در فاصله ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ رشد سالانه جمعیت شهری استان به حدود ۳/۹ درصد کاهش یافت. درخصوص شهر اهواز این نرخ رشد حتی از نرخ رشد استان هم کمتر و به حدود ۲/۱ درصد رسید. این امر در راستای تکمیل بازگشت جمعیت مهاجر جنگی از اهواز به دیگر نقاط استان توجیه پذیر است. پیش بینی جمعیت شهرستان اهواز براساس گزارش سند توسعه اشتغال برای سال ۱۳۸۵ حدود ۳۰/۴ درصد جمعیت استان است. این نسبت براساس همین گزارش در سال ۱۳۸۸ به حدود ۳۰/۷ درصد افزایش پیدا کرده (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۶: ۱۴).

سهم جمعیت شهرنشین شهرستان اهواز در جمعیت شهرنشین کل استان بر اساس بر اساس آخرین آمار مرکز آمار، ۳۵/۷ درصد در سالهای ۱۳۸۵ الی ۱۳۸۸ می باشد که با توجه به سهم ۳۰ درصد کل جمعیت اهواز در استان حاکی از وزن بالاتر جمعیت شهرنشینی شهرستان اهواز نسبت به دیگر شهرهای استان است. که حدود ۴۰ درصد جمعیت شهر اهواز در مناطق حاشیه نشین استقرار یافته و این نسبت با توجه به مهاجرت‌های روستایی و بالا بودن سطح باروری این مناطق در حال افزایش است. یکی دیگر از مسائل جمعیتی شهر اهواز بالا بودن میزان باروری در میان ساکنان مناطق حاشیه نشین است. بر اساس نتایج بررسی، میانگین باروری ساکنان این مناطق ۶/۰۹ فرزند بوده است و این بیانگر این است که هنوز ساکنان این مناطق الگوی باروری روستایی خود را حفظ کرده‌اند و سطح باروری بالایی را تجربه می کنند.

۳-۳ مسئله مسکن و تسهیلات آن

رشد روز افزون شهرنشینی، مسائل و مشکلات جدید و خاصی را در زندگی و روابط انسانها به وجود آورده است. یکی از عمده ترین این مشکلات، مسئله مسکن می باشد (طالقانی، ۱۳۶۹: ۱)

بر اساس نتایج بررسی، تراکم بالای افراد در واحدهای مسکونی، تعداد اندک اتاق، بر پایی خانه های یک شبه ساز و ساخت و سازهای غیر مجاز مسکن با مصالح کم دوام و غیر استاندارد، عدم برخورداری واحدهای مسکونی از حداقل تسهیلات و

ضروریات زندگی (در منطقه حاشیه نشین شلنگ آباد حدود ۲۰ درصد ساکنان به آب آشامیدنی سالم دسترسی داشته‌اند) و تحمیل هزینه های مسکن بر بخشی از ساکنان محروم این مناطق از ابعاد مسئله آفرین پدیده مسکن در مناطق حاشیه نشین اهواز می‌باشد.

۳-۴ مسائل اقتصادی

بررسی ساختار شغلی مردان در مناطق حاشیه نشین اهواز نشان می‌دهد که کارگری شغل اکثر آنهاست (۹/۴۰ درصد)، پس از کارگری، مشاغل آزاد، رانندگی، ماشین شویی، رفتگری، دست فروشی، دلالی، سیگار فروشی و ... از جمله مشاغل مردان در مناطق حاشیه نشین شهر می‌باشد. اکثر ساکنان مناطق حاشیه ای شهر اهواز علاوه بر مشاغل گفته شده برای گذراندن زندگی به نگه داشتن حیواناتی نظیر گاو میش، گوسفند و انواع طیور مبادرت می‌ورزند.

به طور کلی با توجه به ساختار شغلی مناطق حاشیه نشین می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال غیر قانونی، کاذب، ناسالم، سیاه و زیرزمینی در میان ساکنان حاشیه نشین غلبه دارد، ساکنان این سکونتگاهها، اغلب فاقد تحصیلات یا توانمندی حرفه ای و مهارت شغلی لازم برای کسب فرصتهای شغلی بهتر هستند.

در این مناطق مسئله بیکاری به اعتقاد ساکنان به وفور دیده می‌شود (۸/۵۹ درصد) و با توجه به نداشتن تخصص و پایین بودن سطح تحصیلات افراد جویای کار، همواره در این مناطق تشدید می‌شود و خود به عامل ایجاد کننده انواع آسیبها و انحرافات اجتماعی در این مناطق مبدل شده است.

عکس شماره ۱



عکس شماره ۲



عکس شماره‌های ۱ و ۲: نمایی از زندگی حاشیه نشینان کلان شهر اهواز می‌باشد.

بررسی درآمد ماهیانه خانوار نشان می‌دهد که سه چهارم خانوارهای مورد بررسی، به رغم پر جمعیتی بودن، درآمدی زیر ۱۲۰ هزار تومان در ماه دارند. با توجه به ملاک خط فقر شهری، بیش از ۸۵ درصد خانوارهای مورد بررسی در مناطق حاشیه نشین اهواز زیر خط فقر قرار دارند. علاوه بر این، بیش از چهار پنجم ساکنان نیز معتقدند که

فقر در این مناطق زیاد است. ۵۵/۷ درصد پاسخگویان بیان داشته‌اند که دارای مشکلات مالی می‌باشند و عمده ترین مشکل مالی آنها، بی پولی و نداشتن درآمد برای تامین معاش خانواده بوده است. ۴۴/۳ درصد خانوارهای مورد بررسی، وضعیت مالی و اقتصادی خود را بسیار بد و بحرانی اعلام کرده‌اند. از این رو، حاشیه را می‌توان به عنوان آینه تمام نمای فقر شهری در نظر گرفت.

۵-۳ نارضایتی اجتماعی

یافته های بررسی نشان میدهد که میزان رضایت از خدمات رسانی شهرداری در این محله‌ها، بسیار پایین است، حدود ۸۰ درصد پاسخگویان از خدمات رسانی شهرداری به این محلات اصلاً "راضی نیستند یا خیلی کم راضی هستند". علاوه بر این، حدود ۳۰ درصد از پاسخگویان از زندگی در شهر اهواز و ۷۰ درصد از زندگی در محله خود احساس نارضایتی می‌کرده‌اند که از این میان، حدود ۲۲/۳ درصد بد بودن محله و محیط نامناسب آن؛ ۲۶/۸ درصد به کمبود امکانات در محله؛ ۳۶/۴ درصد به بی کاری زیاد؛ ۶/۴ درصد به نبودن امنیت در محله؛ ۵/۴ درصد به فرهنگ پایین مردم محله؛ ۲/۷ درصد به انگ و برچسب خوردن پایین شهر بودن اشاره کرده‌اند. اصولاً "محله های حاشیه نشین، به صورت خودرو در زمینهای بدون برنامه شکل می‌گیرد. به همین دلیل این محله‌ها فاقد تاسیسات زیربنایی بوده و شهرداریها و مسئولان شهر، خود را موظف به تامین تاسیسات آنجا نمی‌دانند (تا زمانی که ساکنان این مناطق به نیروی اجتماعی و سیاسی تبدیل گردند). از طرف دیگر، به علت پراکندگی و گاه دور بودن این اماکن از بافت اصلی، حتی در صورت تمایل مسئولان، تامین تاسیسات زیربنایی گران و مشکل است. از طرف دیگر، با توجه به اینکه محلات حاشیه نشین خود جزئی از شهر می‌دانند، لذا خواستار برخورداری از خدمات شهری همانند سایر نقاط شهر هستند و از آنجا که میزان خدمات رسانی به این مناطق محدود و کمتر بوده، از این رو از خدمات رسانی به این محلات، احساس نارضایتی داشته، خواستار خدمات رسانی بیشتر به این مناطق می‌باشند.

عکس شماره ۳



عکس شماره ۴



عکس شماره ۳ و ۴: نمایی از نارساییهای امکانات و خدمات در حاشیه شهر اهواز

۳-۶ مشارکت پایین اجتماعی و عدم تعلق روحیه شهروندی

بر مبنای یافته های این پژوهش، میزان مشارکت اجتماعی در قالب سازمان یافتگی و تشکلهای مدرن در میان ساکنان مناطق حاشیه نشین بسیار ضعیف بوده و عمدتاً "مشارکت آنها به صورت اشکال اولیه، سنتی، گهگاهی، نامستمر و ناپیوسته بوده

است؛ یعنی از طریق روابط مبتنی بر تبار و طایفه و خویشاوندی عمل می‌کنند. به این معنی که گروه‌های مشارکت‌کننده، یا گروه‌های قومی اند یا کسانی که مجاورت مکانی دارند و همسایه‌اند.

نکته حائز اهمیت دیگر در زمینه مسائل حاشیه نشینی غیر از حاشیه نشینی اقتصادی این افراد، بحث حاشیه نشینی اجتماعی و سیاسی آنها نیز مطرح است که نشان دهنده عدم تمایل آنها به مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی است. زیرا این افراد نمی‌توانند در نهادهای شهری یا در سازمانهای رسمی و نهادی غیر دولتی (NGO) حضور یابند و مشارکت داشته باشند و همین امر موجب می‌شود که به رغم اینکه طبقات پایین، بیشترین مشکلات شهری را دارند، اما به دلیل عدم مشارکت اجتماعی (یا به حاشیه رانده شدن)، مجال آن را نمی‌یابند، تا از راههای قانونی به تعریف و برجسته سازی مسائل خود پردازند.

به دلیل بالا بودن نرخ بی سوادی در میان مهاجران و پایین بودن سطح سواد، اینان از مهارت حرفه ای اندکی برخوردارند و تعلق آنان به فرهنگ روستایی مانع از مشارکت در فضای زندگی شهری می‌شود (جوهری پور، ۱۳۸۲: ۱۰۴). اینان در نظام اجتماعی شهر به طور کامل ادغام نشده‌اند و از این رو، به عنوان شهروندان رسمی در جامعه پذیرفته نمی‌شوند؛ یا لاقلاً خود چنین احساس دارند، همین گسست از جامعه شهری و عدم تعلق شهروندی همراه با سایر ویژگیهای حاشیه نشینی همچون پایین بودن سطح سواد و مهارتهای شغلی، مانع مشارکت توسعه ای مردم این مناطق می‌شود. یافته های بررسی نشان می‌دهد که حدود ۸۵ درصد پاسخگویان هیچ گونه احساس تعلق شهروندی نداشته اند. حاشیه نشین این احساس را دارد که شهر خانه او نیست. هر چند خانه او به لحاظ فیزیکی در شهر است. همین دلیل، احساس تعلق شهروندی اندکی نسبت به شهر دارند. همچنین، این احساس که بین آنها و شهروندان حاضر در متن نظام شهری، یعنی کسانی که در طبقه بالای اجتماعی قرار دارند، تبعیض وجود دارد، باعث گسترش روحیه عدم تعلق شهروندی می‌شود.

۷-۳ آسیبهای اجتماعی

به رغم آسیب شناسان اجتماعی، همه صور ناهنجاریها و نژندهای اجتماعی چون سرقت، قتل، قمار، قاچاق، خودکشی، فحشا، اعتیاد، الکلیسم، وندالیسم، و نظایر آن، چه به مثابه انحراف (کجروی) و چه در زمره بیماری یا اختلال، معلول ناسازگاریهای اجتماعی است که بر روابط فرد و جامعه حاکم است و در مناطق حاشیه نشین نمود بیشتری می یابد.

بررسی آسیبهای اجتماعی در مناطق حاشیه نشین، نشان می دهد که به اعتراف ساکنان این محلات، فقر و بی کاری، اعتیاد و فروش مواد مخدر، ولگردی، دعوا و درگیری بسیار زیاد است. از این رو، می توان گفت که حاشیه نشینی، نمودی از آسیبها و انحرافات اجتماعی است.

اعتیاد و فروش مواد مخدر یکی از مسائل و آسیبهای اجتماعی وخیم و بحرانی در مناطق حاشیه نشین است. به طوری که به رغم بیش از ۷۵ درصد پاسنگویان اعتیاد و فروش مواد مخدر در این مناطق زیاد است. همچنین با مشاهده میدانی در این مناطق می توان فهمید که چهره بسیاری از ساکنان این مناطق به ویژه جوانان، به اعتیاد آلوده است.

همچنین درگیری جوانان و ولگردی و بزهکاری، یکی دیگر از جلوه های آسیب شناسی اجتماعی این مناطق است. به طوری که بیش از ۶۰ از پاسنگویان گفته اند که ولگردی در این مناطق زیاد است و حدود ۷۵ درصد هم معتقدند که دعوا و درگیری در این مناطق بسیار رخ می دهد. علاوه بر اینها، در مراتب بعدی در این مناطق، الکلیسم، فساد و فحشا، دزدی و سرقت بسیار زیاد می باشد.

همچنین وندالیسم در مناطق حاشیه نشین شهر عمدتاً" به صورت شکستن چراغهای خیابانها و پارکها، تخریب باجه های تلفن و شکستن شیشه های آن و بریدن سیم گوشی تلفن، شکستن درختان پارکها و از بین بردن چمن آنها، تخریب لوازم تفریحی پارک و اموال اماکن عمومی، پاره کردن صندلی اتوبوسهای شهری، شعار

نویسی روی در و دیوار، از بین بردن مراتع و فضای سبز اطراف و نمود پیدا می‌کند. وندالها در این مناطق عمدتاً "نوجوانان و جوانان پسر هستند. غالب وندالها مجرد و از نظر تحصیلی ناموفق‌اند، اغلب آنها با سرخوردگیها، شکستها و ناکامیهای مختلفی در زمینه تحصیلی، شغلی، مالی، اجتماعی و خانوادگی مواجه بوده‌اند.

به طور کلی، حاشیه نشینی به دو نظام فرهنگی (روستایی و شهری) وابسته است و در عین حال به هیچ یک، کاملاً "تعلق و تمایل ندارد. در حاشیه بودن، به گسیختگی از نظام ارزشی پیشین و احساس رهایی نسبی از یوغ کنترل اجتماعی شهری منجر می‌شود و نوعی عدم انسجام و همبستگی را به وجود می‌آورد که علاوه بر افزایش استعداد و قابلیت رشد آسیبهای اجتماعی، سبب اختلال در نظم و امنیت عمومی می‌شود.

۸-۳ مشکلات زندگی حاشیه نشینی

زندگی حاشیه ای از یک سو می‌تواند تهدیدها و مسائلی برای نظام شهری ایجاد کند و از سوی دیگر زندگی حاشیه ای و در حاشیه ماندن، مسائل و مشکلات عدیده ای برای ساکنان این مناطق به دنبال داشته است.

مهم ترین مشکلات زندگی خانوادگی در محلات حاشیه نشین اهواز، عبارت‌اند از بی‌کاری و نداشتن شغل دائم سرپرست خانوار؛ مشکل مالی و کمبود درآمد؛ نداشتن خانه و مسکن مناسب؛ محیط بد اجتماعی و فرهنگی این محلات؛ عدم رسیدگی شهرداری؛ کمبود امکانات رفاهی - تفریحی؛ انحرافات اجتماعی زیاد از جمله اعتیاد، نبود امنیت و ...

همچنین در بیان مهم ترین مسائل و مشکلات محلات حاشیه نشین به مواردی نظیر: آسفالت نبودن کوچه‌ها؛ کمبود بهداشت و سرپوش نبودن فاضلابهای محله؛ کمبود امکانات رفاهی، فرهنگی و آموزشی؛ عدم رسیدگی شهرداری به این محلات؛ نداشتن آب لوله کشی؛ فقر و بیکاری؛ نبود امنیت و وجود انواع آسیبها و انحرافات

اجتماعی به ویژه اعتیاد، شلوغی محله‌ها و تراکم جمعیتی زیاد؛ بافت روستایی و چند قومی و فرهنگی بودن محله و ... اشاره نمود.

۴- نتیجه گیری

پيامد گسترش شهرنشینی سریع در ایران، پیدایش شهرهای بزرگ و ایجاد محله‌های حاشیه نشین با بافت نابسامان و مسکن نابهنجار است که ساکنان آن معمولاً مهاجران روستایی یا قشرهای کم درآمد شهری هستند که به مشاغل کاذب و حاشیه‌ای می‌پردازند. حاشیه نشینی فضایی، مولد حاشیه نشینی اقتصادی - اجتماعی آن بخش از جمعیت است. که ساکن این محله می‌باشند. آنها از مشارکت اجتماعی و تعلق شهروندی پایینی برخوردارند و از خدمات ارائه شده در این محلات به هیچ وجه راضی نیستند. با توجه به گسترش فقر و بیکاری حاشیه نشینان بیشتر در معرض آسیبهای اجتماعی‌اند، آنان مسائل و مشکلات زیادی دارند که لازم است مسئولان در رفع و حل این مشکلات اقدامات جدی نمایند و به خواسته‌ها و نیازهای ساکنان این مناطق به عنوان شهروند توجه نمایند. زیرا فقر فرهنگی و مشکلات مالی ساکنان این مناطق و در حاشیه بودن آنها از یک سو و دیدن زندگی شهرنشینی که از امکانات زندگی امروزی بهره مند هستند از سوی دیگر، سبب ایجاد نارضایتی عمیق در بین این بخش از قشرهای جامعه می‌شود و این امر گاه می‌تواند همچون بشکه باروت برای ایجاد آشوبهای اجتماعی عمل کند. زیرا تداوم فقر و فلاکت بینوایان بدون واکنش سیاسی نخواهد بود و خشونت‌های جنایت آمیز را افزایش می‌دهد.

۵- ارائه پیشنهادها

حاشیه نشینی عنصر انکار ناپذیر همه شهرهای بزرگ و مدرن جهان است؛ هر چند کمیت و کیفیت آن در جامع مختلف متغیر است. در برخورد با این پدیده همانند سایر پدیده‌های اجتماعی باید از یکجانبه نگری پرهیز کرده بر تلاش جدی به قصد

چاره اندیشی علمی و درک مسائل اجتماعی آن اهتمام ورزید و به نکات زیر توجه کرد:

در ایران، بر خلاف شهرهای غربی، حاشیه نشینان معمولاً^{۱۱} در مناطق پیرامونی و فقیر نشین شهر استقرار می‌یابند و عاملی برای توسعه فرهنگ فقر می‌شوند؛ یعنی علاوه بر فاصله اجتماعی، اغلب فاصله فیزیکی وجود دارد.

بر اساس یافته تحقیق؛ حاشیه نشینان در عین حال که در میان خود همبستگی اجتماعی ضعیفی برخوردارند، در مقابل نسبت به تهدیداتی علیه منافعشان به صورت نیروی واحد و بسیار همبسته درمی‌آیند و از تنها موجودیت خود، یعنی زندگی حاشیه نشینی، با تمام قوا دفاع می‌کنند.

حاشیه نشینان دولت را که نماد مدیریت جامعه است به ویژه شهرداریها را، مسئول اصلی وضع خود می‌دانند. آنان نقاط ضعف خود را نادیده می‌گیرند و به همین دلیل در برخورد با ماموران دولتی، هر چند که خود می‌دانند آنها نقشی در ایجاد این نابسامانیها ندارند، برخورد خصمانه ای از خود بروز می‌دهند و در اغلب موارد، حتی حاضر به قبول راه‌های منطقی ارائه شده از طرف آنان نیز نیستند.

به دلیل عدم برخورداری از امکانات و خدمات شهری، روحیه تضاد و مبارزه منفی به سهولت در بین حاشیه نشینان شهری شکل می‌گیرد و این احساس در بین نسل دوم، یعنی فرزندان که در شرایط حاشیه نشینی متولد و بزرگ شده‌اند، به مراتب بیش از پدران و مادران آنها بروز می‌کند. به همین دلیل، گذشت زمان در این موارد نه تنها چاره ساز نیست بلکه بر پیچیدگی آن نیز می‌افزاید.

حل مشکل حاشیه نشینان در شناخت ابعاد مختلف مسائل آنها و بهره گیری از مشارکتشان در پیدا کردن راه‌های اجتماعی نهفته است .

تحقق استراتژی توسعه پایدار درونزای شهری، که آن هم مستلزم این است که به هنگام تدوین طرحهای شهری به چند مسئله توجه کنیم:

- ۱- مشارکت اکثر مردم در تصمیم گیری درباره توسعه شهری و توجه به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نواحی مختلف شهر؛
 - ۲- شناسایی نیازهای محله های شهر و اینکه کدام محله نیاز بیشتری دارد؛
 - ۳- توجه بیشتر به طرحهای کوچک محله ای و ناحیه ای در داخل شهر های بزرگ
 - ۴- ایجاد شوراهای محلی در داخل محلات شهری و توجه بیشتر به گروههای کم درآمد مخروبه های شهر به منظور شکوفایی شرایط رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی، (پوراحمد و شمعی، ۱۳۸۰: ۸).
- از این رو، راه حل اساسی حاشیه نشینی، در توسعه متوازن و پایدار درونزای شهری، تامین امنیت و عدالت اجتماعی، کاهش نابرابریهای اقتصادی و فرهنگی در بین قشرهای مختلف جامعه و مناطق مختلف کشور خواهد بود.
- در شهرها بخصوص شهرهای بزرگ، مسئولان محلی و ملی چه عملکردی می توانند در برابر انفجار جمعیت و مهاجرت حاصل از آن داشته باشند؟ چگونه خود را با آن تطبیق دهند؟ بحران اخیر زیست محیطی تهران یکی از نشان های رشد لجام گسیخته شهری و ضرورت توجه به توسعه متناسب و اجرای نظریه ی عدم تمرکز و آمایش سرزمین در برخورد با رشد بی قواره شهری در ایران است. به طور خلاصه سه نوع روش نامبرده ذیل توسط مدیران برنامه ریزی شهری ایران برای دستیابی به توسعه متوازن شهری مورد آزمایش قرار گرفته است.
- ۱- تصور راندن مهاجران از شهر یا شهرکوشش در این جهت. این تاکتیک را برخی محققان تاکتیک ورود ممنوع خوانده اند. در ایران بعد از انقلاب با صدور کارت سکونت شهری، چنین سیاستی اعمال شد اما موثر نیافتاد.
 - ۲- نادیده گرفتن حاشیه نشینی و تصور اینکه انگار چیزی اتفاق نیفتاده است و انتظار داشت که موضوع خود به خود حل شود.

۳- قبول واقعیت حاشیه نشینی از جانب مسولان و سپس کنترل و هدایت آن در چارچوب طرحهای توسعه شهری، به گونه ای که از جمعیت جدیدی که به شهرها سرازیر می شوند برای توسعه و ازدیاد ثروت ملی استفاده کنند. در این باره جمعیت مهاجر جدید در روند شهرنشینی و توسعه شهرها به خدمت گرفته می شوند و از این اضافه جمعیت در جهت رفاه و آسودگی استفاده به عمل آمده است.

راه حل اول مردود است زیرا در طی زمان و در کشورهای گوناگون، آزمون خود را پس داده است.

راه حل دوم، ندیدن واقعیت است، وانمود کردن اینکه مهاجرت و حاشیه نشینی انجام می شود، متاسفانه عمومی ترین شیوه موجود است. نتیجه این امر، گسترش تپه ها و زاغه هایی است که اطراف شهرهای کشورهای عقب مانده با آنها مواجه ایم. بنا بر شرایط رو به توسعه، رشد شهر و حاشیه توامان اتفاق می افتد و هنگامی که از وضع عادی خارج می شود، آنگاه مورد توجه مدیران و برنامه ریزان قرار می گیرد.

راه حل سوم به رسمیت شناختن مسئله، پذیرش آن و تلاش جدی برای پیشگیری و ساماندهی مسئله است. در قالب این راه حل، مهندسی اجتماعی، توانمند سازی، ارتقای دسترسی به خدمات اجتماعی و تحقق استراتژی توسعه پایدار درونزای شهری مورد توجه قرار می گیرد.

منابع و ماخذ

- ۱- آقا بخش، حبیب ا..... و دیگران، (۱۳۸۲)، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی (مجموعه مقالات)، جلد دوم، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- ۲- ازکیا، مصطفی. غلامرضا، غفاری، (۱۳۸۲)، جامعه شناسی توسعه، انتشارات کیهان
- ۳- پوراحمد، احمد. علی شماعی، (۱۳۸۰)، توسعه فیزیکی شهر یزد و تاثیر آن بر ساختار جمعیت بافت قدیم شهر، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸،
- ۴- پیران، پرویز، (۱۳۷۸)، شهرنشینی شتابان و ناهمگون، مسکن ناپهنجار، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲ ای ۲۴.
- ۵- پیران، پرویز، (۱۳۷۴)، آلودگی نشینی در ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۶ - ۹۱.
- ۶- پیران، پرویز، (۱۳۸۰)، تحلیل جامعه شناختی از مسکن شهری در ایران، نامه جامعه شناسی ایران، شماره ۶
- ۷- پیران، پرویز، (۱۳۸۰)، جنبشهای اجتماعی شهری با نگاهی به شرایط ایران، ماهنامه آفتاب، شماره های ۲، ۴، ۶، ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۵.
- ۸- توسلی، غلامعباس، (۱۳۷۴)، جامعه شناسی شهری، دانشگاه پیام نور
- ۹- حریری اکبری، محمد، (۱۳۸۳)، مدیریت توسعه و نهادهای مدنی، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره اول، شماره ۲
- ۱۰- جمشیدپها، غلامرضا. عنبری، موسی، (۱۳۸۳)، تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین افغانی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۲
- ۱۱- جواهری پور، مهرداد، (۱۳۸۲)، ساختیابی اقتصادی اجتماعی اسکان غیر رسمی (مطالعه موردی تهران)، (مجموعه مقالات)، جلد دوم، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- ۱۲- فیالکوف، یانکل، (۱۳۸۳)، جامعه شناسی شهر، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، انتشارات آگاه
- ۱۳- صدیق سروستانی، رحمت ا.....، (۱۳۷۶)، حاشیه نشینی و امنیت، مجموعه مقالات همایش توسعه و امنیت عمومی، جلد دوم، وزارت کشور.
- ۱۴- طالقانی، محمود، (۱۳۶۹)، مطالعه جامعه شناسی شهر تهران، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- ۱۵- هادیزاده، مریم، (۱۳۸۳)، حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، انتشارات شهرداری مشهد.
- ۱۶- نقدی، اسد ا...، (۱۳۸۲)، درآمدی بر جامعه شناسی شهری، انسان و شهر، انتشارات فن آوری

17- Lagarias A., 2005, (In Greek) "Cities are fractals: Applications of fractal geometry in the study of urban space", 1st Hellenic Conference 'Urban and regional planning, & regional development', new trends - new researchers', Volos, May 2005

18- Shen G., 2002, "Fractal dimension and fractal growth of urbanized areas" *Int. j. geographical information science*, 2002 vol.16, no.5 / 419-437

19- Soja E., 2000, *Postmetropolis, Critical studies of cities and regions*, Blackwell Publishing Ltd, USA

20- Batty M., 2005, *Cities and complexity: Understanding cities with Cellular Automata, Agent-Based models, and Fractals*, MIT Press, Cambridge, Massachusetts, London, England